

فریب شنیع تعادل کاذب: همدستی رسانه‌های غربی در تطهیر نسل‌کشی اسرائیل در غزه

تا تاریخ ۴ ژوئیه ۲۰۲۵، ویرانی در غزه غیرقابل تصور است. تخمین زده می‌شود که از آغاز آخرین تهاجم اسرائیل، بین ۲۷۰,۰۰۰ تا ۳۷۸,۰۰۰ فلسطینی کشته شده‌اند - رقمی که به مراتب بیشتر از ۵۷,۰۰۰ مرگ مستقیم گزارش شده رسمی است، که خود به دلیل اجساد مدفون زیر آوار و مناطق غیرقابل دسترس محدود شده‌اند. با این حال، در مواجهه با این قتل‌عام بی‌سابقه، رسانه‌های اصلی غربی همچنان روایتی به شدت تحریف‌شده را تحت عنوان «تعادل» و «بی‌طرفی» ارائه می‌دهند. این به اصطلاح بی‌طرفی چیزی جز همدستی نیست. با دادن وزن برابر به یک دولت اشغالگر مجهز به سلاح هسته‌ای و یک جمعیت محاصره‌شده و بی‌دولت تحت محاصره و بمباران، سازمان‌های رسانه‌ای به مشارکت‌کنندگان فعال در تطهیر خشونت نسل‌کشانه تبدیل می‌شوند.

آمارهای سرکوب‌شده و پنهان‌سازی تعداد کشته‌ها

اعداد داستانی را روایت می‌کنند که رسانه‌ها از مواجهه با آن امتناع می‌ورزند. مطالعه‌ای در ژانویه ۲۰۲۵ در مجله *لنست* بیش از ۶۴,۰۰۰ مرگ مستقیم تا اواسط سال ۲۰۲۴ را تخمین زد و خاطرنشان کرد که این رقم ۴۱ درصد کمتر از واقعیت است. برآوردهای بعدی، با در نظر گرفتن مرگ‌های غیرمستقیم ناشی از گرسنگی، بیماری و فروپاشی زیرساخت‌ها، تعداد کل کشته‌ها را تا ژوئیه ۲۰۲۴ تا ۱۸۶,۰۰۰ نفر پیش‌بینی کردند. با توجه به تشدید مداوم از آن زمان، محدوده فعلی ۲۷۰,۰۰۰ تا ۳۷۸,۰۰۰ حدسی نیست - بلکه بر اساس مدل‌های تاریخی مرگ‌ومیر اضافی در مناطق درگیری استوار است. با این حال، رسانه‌ها به رقم محدود وزارت بهداشت غزه پایبند هستند و با برچسب زدن به آن به عنوان «تحت کنترل حماس»، اعتبار آن را زیر سؤال می‌برند، در حالی که سابقه طولانی دقت این وزارتخانه در حملات قبلی اسرائیل را نادیده می‌گیرند. این گزارش‌دهی عمدی کمتر از واقعیت، *machista* ب فاجعه را کم‌رنگ کرده و خشم جهانی را به تأخیر می‌اندازد.

پروپاگاندای جنایات و داستان‌های وحشتناک تکذیب‌شده

جرم روزنامه‌نگاری تنها غفلت نیست، بلکه تحریف است. در ابتدای جنگ، سرخط‌های جهانی داستان‌های وحشتناک و تأیید نشده‌ای را بازتاب دادند: ۴۰ نوزاد سربریده‌شده، نوزادی که در فرپخته شد، جنینی که از رحم مادرش بریده شد. این ادعاها، که به طور گسترده توسط سیاستمداران منتشر و توسط رسانه‌هایی مانند سی‌ان‌ان و اسکای نیوز بدون نقد تقویت شدند، به عنوان بهانه‌های احساسی برای کمپین انتقام‌جویانه اسرائیل عمل کردند. جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، خود ادعای سربریدن را در یک سخنرانی عمومی تکرار کرد. هیچ مدرکی هرگز این اتهامات را تأیید نکرد. حتی دولت اسرائیل بعداً اعتراف کرد که نمی‌تواند آنها را تأیید کند. با این حال، تا به امروز، بسیاری از این رسانه‌ها هیچ اصلاحیه رسمی منتشر نکرده‌اند. برخی همچنان به ادعاهای تکذیب‌شده ارجاع می‌دهند، گویی که حقیقت دارند.

این روزنامه‌نگاری نیست. این پروپاگاندای جنایات است - مکانیزمی برای توجیه قتل‌های جمعی و خاموش کردن مخالفت‌ها. هنگامی که داستان‌های وحشتناک تأیید نشده بلافاصله و بدون نقد پخش می‌شوند، در حالی که جنایات جنگی مستند

اسرائیل با شک و تردید یا به طور کامل کم اهمیت جلوه داده می‌شوند، الگویی پدیدار می‌شود: غیرانسانی‌سازی فلسطینی‌ها و محافظت از مصونیت اسرائیل.

تعصب نهادی و همدستی رسانه‌ای

ماهیت سیستمیک این تعصب آشکار است. بی‌بی‌سی، تحت نظارت رافی برگ، ویراستار خاورمیانه، محتوای تحقیقاتی مانند غزه: پزشکان تحت حمله را دفن کرده است، که تنها توسط رسانه‌های شجاع‌تر مانند کانال ۴ نجات یافت. سی‌ان‌ان به پخش ادعاهای اسرائیل ادامه داد، حتی مدت‌ها پس از تکذیب آنها، حتی با نادیده گرفتن اعتراضات داخلی، همان‌طور که در مستند شکست غزه الجزیره به تفصیل شرح داده شده است. نهادهای رسانه‌ای آمریکایی مانند نیویورک تایمز سیاست‌های ویرایشی اورولی را اعمال کردند که استفاده از کلمه «نسل‌کشی» را ممنوع می‌کرد، حتی زمانی که دیوان بین‌المللی دادگستری پرونده نسل‌کشی آفریقای جنوبی علیه اسرائیل را قابل قبول دانست. کنگلومراهای رسانه‌ای اروپایی مانند اکسل اشپرینگر دارای منافع مالی در اقتصاد شهرک‌های غیرقانونی هستند، که مستقیماً از سلب مالکیت سود می‌برند در حالی که پوشش خبری را از طریق زیرمجموعه‌هایی مانند پولیتیکو شکل می‌دهند.

خاموش کردن شاهدان: جنگ علیه روزنامه‌نگاری

با افزودن به خلأ رسانه‌ای، اسرائیل از ابتدای تهاجمش ورود همه روزنامه‌نگاران خارجی به غزه را ممنوع کرده است، و اطمینان حاصل کرده که تنها گزارش‌های دست اول از روزنامه‌نگاران فلسطینی تحت محاصره به دست آید. این گزارشگران محلی بهای نهایی را برای پوشش خود پرداخته‌اند - حدود ۲۵۰ نفر توسط نیروهای اسرائیلی کشته شده‌اند، تعدادی که شامل افرادی است که به وضوح به‌عنوان مطبوعات شناسایی شده بودند. با حذف شاهدان و خاموش کردن صداهای مستقل، اسرائیل اطمینان می‌دهد که نسخه آن از وقایع بر روایت جهانی غالب شود.

تعادل کاذب: ابزاری برای گمراهی

آنچه این موارد را به هم پیوند می‌دهد، صرفاً تعصب نیست، بلکه معماری عمدی است. تعادل کاذب یک چارچوب خنثی نیست - ابزاری برای گمراهی است. همان‌طور که انکارکنندگان تغییرات اقلیمی زمانی در کنار دانشمندان اقلیم ارائه می‌شدند و مخالفان واکسن علیه اجماع پزشکی سکوهایی دریافت می‌کردند، نسل‌کشی در غزه زیر معادل‌سازی کاذب بین اشغالگر و اشغال‌شده دفن می‌شود. اما این یک بحث نیست. این یک قتل‌عام یک‌جانبه است، با بیش از یک چهارم میلیون فلسطینی کشته‌شده، در مقایسه با کسری از این تعداد در طرف اسرائیلی.

هزینه همدستی

پیامدهای این فریب عظیم است. این امر اقدام بین‌المللی را به تأخیر می‌اندازد. به مرتکبان اجازه می‌دهد بدون مجازات عمل کنند. رنج یک ملت کامل تحت محاصره را محو می‌کند. جرایم آینده را تشویق می‌کند. رسانه‌های غربی باید تظاهر به بی‌طرفی را کنار بگذارند، با واقعیت اقدامات اسرائیل در غزه روبرو شوند و سوابق دروغ‌های ساخته‌شده‌ای که به انتشارشان کمک کردند را اصلاح کنند. خون غزه کمتر از این را نمی‌طلبد.

سکوت کردن - یا بدتر، «متعادل» ماندن - به معنای ایستادن در کنار نسل‌کشی است.